

یادداشتی درباره‌ی ترجمه‌ی فارسی کتاب «پژوهش‌های فلسفی در باب ذات آزادی انسان»

فریدریش ویلهلم یوزف شلینگ، ترجمه‌ی مجتبی درایتی و ابوالحسن ارجمند تاج‌الدینی، نشر شب‌خیز، ۱۳۹۷، چاپ اول، ۲۶۸ص.

سید مسعود حسینی توشمانلوئی^۱

معرفی نویسنده و اثر

فریدریش ویلهلم یوزف فون شلینگ (۱۷۷۵-۱۸۵۴)، فیلسوف ایدئالیست آلمانی و پیشگام برخی از مکاتب فلسفی عمده که در واکنش به هگل و ایدئالیسم مطلق او پدید آمدند (از جمله آگزیستانسیالیسم و مارکسیسم)، پس از مرگاش علی‌رغم تأثیرگذاری بر فیلسوفانی بزرگ چندان محل توجه نبود، اما در قرن بیستم توجه فیلسوف طراز اولی چون مارتین هایدگر و شمار دیگری از اندیشمندان را به خود جلب کرد. اندیشه‌ی وی را به دو دوره تقسیم کرده‌اند. دوره‌ی نخست حدوداً از سال ۱۷۹۰ تا ۱۸۲۰ را در بر می‌گیرد و دوره‌ی دوم مربوط به سال‌های پس از ۱۸۲۰ است. وی در دوره‌ی نخست عمدتاً تحت تأثیر ایده‌ها و اندیشه‌های دیگر فیلسوف ایدئالیست آلمانی، یعنی یوهان گوتلیب فیشته، و البته کانت بود، اما در دهه‌ی ۱۸۰۰ پیوند فکری‌اش را با فیشته گسست. خود شلینگ فلسفه‌ی دوره‌ی دوم خویش را که از حدود اوایل دهه‌ی ۱۸۲۰ تا پایان عمرش بر روی آن کار کرد فلسفه‌ی ثبوتی می‌نامید، در برابر فلسفه‌ی منعی خودش در دوره‌ی نخست و به‌ویژه در برابر فلسفه‌ی منعی هگل. درسگفته‌های تاریخ فلسفه‌ی مدرن، که پس از مرگ مؤلف‌شان به انتشار رسیده‌اند، در سال‌های ۱۸۳۳-۱۸۳۴ یا ۱۸۳۶-۱۸۳۷ ایراد شده‌اند (در مورد تاریخ دقیق ایراد آن‌ها اختلاف نظر هست). اما حال و هوای حاکم بر آن‌ها، حتی با توجه به مضامینی که شلینگ در فلسفه‌های دکارت و اسپینوزا و کانت و دیگر فیلسوفان محل بحث قرار می‌دهد، حال و هوای انتقاد از ایدئالیسم مطلق هگل و تکیه‌ی قاطع او بر «مفهوم» و به‌تعبیری فروکاستن وجود به مفهوم است، به طوری که حتی در نقدهای شلینگ بر برهان‌های دکارت در اثبات وجود خدا نیز به نظر می‌رسد در واقع هگل است که آماج حملات شلینگ قرار می‌گیرد.

شلینگ فعالیت فلسفی‌اش را در اوایل دهه‌ی ۱۷۹۰ با بدل نظر به کارهای فیشته آغاز کرد، که به برکشیدن فلسفه‌ی استعلایی کانت به نوعی نظام فراگیر (آموزه‌ی دانش) معطوف بودند. فیشته قوام و شکل جهان شناختنی را حاصل فعالیت آگاهی (من مطلق) می‌دانست. به‌علاوه، شلینگ همواره رابطه‌ای آمیخته از جاذبه و دافعه با اسپینوزا داشت و تلقی وی از «جوهر» بر اندیشه‌ی او سخت تأثیر گذاشت اما نگاه‌اش به مسئله‌ی آزادی باب طبع شلینگ نبود. در اواخر دهه‌ی ۱۷۹۰، شلینگ فلسفه‌ی طبیعت خویش را طرح و تنسیق کرد و در آن مفهوم فعالیت سوژه یا آگاهی را به ایده‌ی کل طبیعت به‌عنوان فرآوردگی یا آفرینشگری تعمیم داد. وی بدین ترتیب خود را در سنت لایب‌نیتسی قرار داد که در آن کل طبیعت از حیات و زندگی بهره‌مند است.

^۱. دکترای فلسفه دانشگاه تهران، masoudhosseyni@uahoo.com

در سال ۱۸۰۰ کتاب *نظام ایدئالیسم/استعلایی* را به دست چاپ سپرد. در این کتاب کوشید فلسفه‌ی فیشته را با فلسفه‌ی طبیعت خویش سازگار کند و در این راه از یکی از ایده‌های فلسفه‌ی نقدی کانت مدد گرفت. کانت در *تقد سوم خویش* کوشیده بود دست کم امکان (یا امید به) نوعی سازگاری میان قلمرو طبیعت و قلمرو آزادی را اثبات کند، و قوه‌ی حکم زیبایی‌شناختی و غایت‌شناختی را وسیله‌ای تلقی کرده بود که ممکن بود چنین امکانی را فراهم کند. شلینگ، با پیروی از کانت، مدعی شد که هنر عرصه‌ای است که در آن دو قلمرو فعالیت آزاد اندیشه و فرآوردگی ناخودآگاه طبیعت با یکدیگر ملاقات می‌کنند. فلسفه‌ی این‌همانی که شلینگ در آن می‌کوشید اثبات کند که سوژه و ابژه، ذهن و ماده، امر ایدئال و امر واقعی صرفاً درجات متفاوت یا جنبه‌های متفاوت یک امر این‌همان‌اند، دلمشغولی وی در اوایل دهه‌ی ۱۸۰۰ بود. در این دوره بود که شلینگ رابطه‌ی فلسفی‌اش را با فیشته گسست، زیرا به این عقیده رسیده بود که فیشته نتوانسته بود از قلمرو خودآگاهی به بنیاد خودآگاهی، یعنی به وجودی که خودآگاهی تنها یک جنبه از آن است، گذر کند.

شلینگ در سال ۱۸۰۹ کتاب *پژوهش‌هایی فلسفی در باب ذات آزادی انسان*^۱ را به دست چاپ سپرد که واپسین کتابی بود که وی در طول حیات‌اش منتشر می‌کرد. در سال‌های ۱۸۱۱-۱۸۱۵ بر روی طرحی با عنوان *اعصار جهان* کار کرد. هدف وی از پیشبردن این طرح آن بود که رابطه‌ی ایستا و متوازن امر ایدئال و امر واقعی را که در کار متقدم‌اش پیش کشیده بود کنار بگذارد و بکوشد آن بنیادی را به فهم درآورد که اصول متعارض تقوم‌بخش جهان تجلی‌یافته صرفاً پیامدهای آن‌اند. وی پروراندن فلسفه‌ی ثبوتی‌اش را در دهه‌ی ۱۸۲۰ آغاز کرد و تا پایان عمرش بدان مشغول بود. فلسفه‌ی ثبوتی کوششی بود برای برگزشتن از فلسفه‌ی منفی. طبق دیدگاه شلینگ، فلسفه‌ی منفی، که از قرار معلوم از جمله در منطقی هگل متبلور شده بود، صورت‌های اندیشه‌ی محض را که ماهیت آنچه را هست صرفاً در قلمرو اندیشه‌ی محض متعین می‌سازند تبیین می‌کند، حال آن‌که فلسفه‌ی ثبوتی می‌کوشد به برداشتی دست یابد که حق مطلب را چه در مورد وجود داشتن اشیاء و چه در مورد ظهور و حرکت تاریخی و واقعی آگاهی ادا کند. شلینگ می‌نویسد: «زیرا دلیل این‌که وجودی هست این نیست که اندیشه‌ای هست، بلکه برعکس، دلیل این‌که اندیشه‌ای هست این است که وجودی هست.»^۲

فلسفه‌ی هگل، به نظر شلینگ، فلسفه‌ای منفی است زیرا این فلسفه در اندیشه‌ی محض، به استقلال از هرگونه وجود واقعی، بسط می‌یابد و بسط یافتن‌اش تحت سلطه‌ی نوعی ضرورت سرد منطقی است. هگل با تأکید نهادن بر اهمیت ضرورت، واقعیت آزادی را انکار می‌کند، با تأکید نهادن بر امر سرمدی، امر زمانی را انکار می‌کند، و با تأکید نهادن بر ذات لایتغیر، وجود تاریخی را انکار می‌کند. البته این انکارها را شاید نتوان به‌وضوح در متن آثار وی یافت، زیرا اگر هگل آزادی و زمان و تاریخ را بالکل انکار کرده بود، محدودیت‌های نظام‌اش آشکار می‌شد. بالعکس، تازه پس از آن‌که بحث‌های وی درباره‌ی طبیعت و روح به کمال می‌رسند، یعنی تازه در پایان نظام اوست که تمایزهای میان آزادی و زمان و تاریخ بار دیگر در امر مطلق منحل می‌شوند. نظام او از راه همین انحلال است که کار و زحمت خویش را نفی می‌کند.

^۱ *Philosophische Untersuchungen über das Wesen der menschlichen Freiheit und die damit zusammenhängenden Gegenstände*

^۲ Friedrich Wilhelm Joseph Schelling, *Sämtliche Werke*, herausgegeben von Karl Friedrich August von Schelling, I Abtheilung vols 1-10, II Abtheilung vols 1-4, (Stuttgart: Cotta, 1856-61), II,3,161.

پژوهش‌های فلسفی در باب ذات آزادی انسان (۱۸۰۹) اثر فریدریش ویلهلم یوزف شلینگ (۱۷۷۵-۱۸۵۴) جایگاهی ویژه و بی‌بدیل در ایدئالیسم آلمانی پساکانتی دارد. شلینگ کار فلسفی خویش را در سال ۱۷۹۴ (در نوزده‌سالگی) با انتشار مقاله‌ی در باب امکان یک صورت فلسفه به‌طور کلی^۱ آغاز کرد و با رساله‌ی در باب من به‌عنوان اصل فلسفه یا در باب امر نامشروط در دانش بشری^۲ (۱۷۹۵) خود را در هیئت فیلسوفی فیشته‌ای به عموم شناساند. با وجود این، فیلسوفی که تفکر فلسفی او را پیوسته تحت تأثیر قرار می‌داد اسپینوزا بود، همو که فیشته به‌رغم علاقه‌ی آغازین‌اش به او در نهایت مردودش شمرد. به‌علاوه، عنصر مهمی که از همان آغاز در تفکر شلینگ وجود داشت و مقدر بود که بعدها مایه‌ی جدایی او از اندیشه‌ی فیشته شود فلسفه‌ی طبیعت^۳ بود، که وی ایده‌های خویش درباره‌ی آن را نخست در کتاب ایده‌هایی برای یک فلسفه‌ی طبیعت به‌عنوان درآمدی به مطالعه‌ی این علم^۴ (۱۷۹۷) و سپس در رساله‌ی نخستین طرح یک نظام فلسفه‌ی طبیعت^۵ (۱۷۹۹) شرح و بسط داد.

اثر برجسته‌ای که شلینگ در دهه‌ی ۱۸۰۰ به دست چاپ سپرد، و در واقع واپسین کتابی بود که به دست خودش منتشر می‌کرد، همین پژوهش‌های فلسفی در باب ذات آزادی انسان و موضوعات مرتبط با آن (۱۸۰۹) بود. پس از این کتاب، مهم‌ترین طرح فلسفی او اعصار جهان^۶ (مربوط به دهه‌های ۱۸۱۰ و ۱۸۲۰) بود که آن را در قالب یک کتاب تا مرحله‌ی ماشین‌نویسی پیش برد اما نهایتاً از انتشار آن منصرف شد. از جمله مطالبی که از سال ۱۸۳۰ تا پایان حیات‌اش پدید آورد بدون آن‌که آن‌ها را منتشر کند یکی بنیانگذاری فلسفه‌ی ثبوتی^۷ (۱۸۳۳-۱۸۳۲) بود و دیگری در باب تاریخ فلسفه‌ی جدید^۸ (۱۸۳۳-۱۸۳۴). در این دو اثر به انتقاد از فلسفه‌ی پیشین خویش و به‌ویژه فلسفه‌ی هگل پرداخت، فلسفه‌هایی که اکنون از آن‌ها تعبیر به «فلسفه‌های منفی» می‌کرد که تنها با «فلسفه‌ی ثبوتی» تکمیل می‌شدند. فلسفه‌ی وحی^۹ (۱۸۴۱-۱۸۴۳)، فلسفه‌ی اساطیر^{۱۰} (۱۸۴۲)، و درآمدی فلسفی به فلسفه‌ی اساطیر یا شرح فلسفه‌ی صرفاً عقلانی^{۱۱} (سال‌های ۱۸۴۷ تا ۱۸۵۲) در زمره‌ی واپسین اندیشه‌های فلسفی او هستند.

از این قرار، فلسفه‌ی شلینگ برای پژوهشگران ایدئالیسم آلمانی و همچنین برای پژوهشگران فلسفه به‌وجه عام حایز اهمیت فراوانی است. شلینگ، از سویی، یکی از حلقه‌های اصلی و غالباً مغفول سنت ایدئالیسم آلمانی است که نه‌تنها به‌موجب بینش‌های اصیل و بدیع‌اش (از جمله طرح و تنسيق دقیق مفاهیم دیالکتیک و تاریخ آگاهی)، بلکه به‌موجب نقشی که (ایجاباً و سلباً) در شکل‌گیری تفکر هگل داشته است (به‌ویژه در فلسفه‌ی طبیعت و بحث از «امر مطلق») باید مورد توجه و پژوهش قرار گیرد. از سوی دیگر، شلینگ با مطرح کردن آنچه خود فلسفه‌ی ثبوتی می‌نامید، زمینه‌ساز جریان‌های

1. *Über die Möglichkeit einer Form der Philosophie überhaupt*

2. *Vom Ich als Princip der Philosophie oder über das Unbedingte im menschlichen Wissen*

3. *Naturphilosophie*

4. *Ideen zu einer Philosophie der Natur als Einleitung in das Studium dieser Wissenschaft*

5. *Erster Entwurf eines Systems der Naturphilosophie*

6. *Die Weltalter*

7. *Grundlegung der positiven Philosophie*

8. *Zur Geschichte der neueren Philosophie*

9. *Philosophie der Offenbarung*

10. *Philosophie der Mythologie*

11. *Philosophische Einleitung in die Philosophie der Mythologie oder Darstellung der reinrationalen Philosophie*

مهمی در اندیشه‌ی معاصر شد. (کی‌یرکگور، آرنولد روگه — یکی از دوستانِ مارکس — باکونین و عده‌ای دیگر در سال‌های ۱۸۴۱-۱۸۴۲ در برلین بر سرِ درسگفتارهای شلینگ حاضر می‌شدند.) بر این اساس، هدف از مطالعه و پژوهش در اندیشه‌های شلینگ صرفاً پر کردنِ خلأیی در نگارشِ تاریخِ فلسفه نیست، بلکه از سویی به معنای پر کردنِ خلأیی در مطالعاتِ مربوط به ایدئالیسمِ آلمانی و از سوی دیگر منبعی برای تدقیق در آغازه‌ها و اصل‌های اندیشه‌های فلسفیِ معاصر است.^۱

پژوهش‌های فلسفی در *باب ذات آزادی انسان* (۱۸۰۹) واپسین اثری است که شلینگ در طول حیات‌اش به دست چاپ سپرد. درون‌مایه‌ی اساسی این اثر، همان‌طور که از عنوان آن پیداست، مسئله‌ی ذات آزادی انسان است، منتها در نسبت با «مطلق». به عبارت دیگر، شلینگ در این اثر می‌کوشد در این باب پژوهش کند که در نظامی که حول محور «مطلق» شکل گرفته باشد، معنای آزادی انسان چیست.

کتاب شامل دو فهرست است: فهرست کلی ترجمه‌ی فارسی و فهرست مفصل و جزء‌به‌جزء متن اصلی. شلینگ کتاب خود را به صورت یک تک‌نگاری طولانی پدید آورده است که فاقد فصل‌بندی و بخش‌بندی است. اما مترجمان با استفاده از منابع لاتین، فهرستی بسیار مفصل و سودمند به ابتدای اثر افزوده‌اند.

از حیث ادبی، ترجمه‌ی فارسی بسیار درخشان است، به طوری که خواندن آن تجربه‌ای دلچسب است. از نظر قواعد نگارشی نیز می‌توان گفت که مترجمان از قواعد مرسوم و استاندارد پیروی کرده‌اند و هیچ‌گونه رویه‌ی نامربوط و غیرمعمول در متن دیده نمی‌شود.

ترجمه‌ی فارسی فاقد کتابنامه است، و این ممکن است نوعی ضعف محسوب شود. بهتر بود مترجمان علاوه بر فهرست کردن منابع و مراجعی که به کار برده‌اند، منابع بیش‌تری نیز درباره‌ی متن اصلی به خواننده معرفی می‌کردند.

ملاحظات صوری

ترجمه‌ی فارسی کتاب *پژوهش‌های فلسفی در باب ذات آزادی انسان*، به ترجمه‌ی مجتبی درایتی و ابوالحسن ارجمند تاج‌الدینی، که به همت نشر شب‌خیز روانه‌ی بازار کتاب شده است، از حیث ویژگی‌ها صوری و شکلی معیارهای یک کتاب در حد و اندازه‌های فیلسوفی چون شلینگ را برآورده می‌سازد. طراحی جلد، با تصویری که از دوره‌ی میانسالی شلینگ بر روی آن چاپ شده، بسیار مطلوب است. متن پشت جلد نیز به خوبی مضمون اصلی کتاب را منعکس می‌کند. فونت تیترا، اندازه‌ی فونت‌ها، نوع صفحه‌بندی، سرصفحه‌ها، ترتیب یادداشت‌ها، نمایه، واژه‌نامه و غیره... بسیار خوب و استاندارد است. دوزبانه بودن ترجمه نیز کمک بسیار شایانی به خواننده است تا در صورت نیاز بتواند بلافاصله به اصل

^۱ در نگارشِ بخش‌هایی از این نوشتار از منابع زیر استفاده کرده‌ام:

Andrew Bowie, *Schelling and Modern European Philosophy: An Introduction* (London: Routledge, 1993).

Alan White, *Schelling: An Introduction to the System of Freedom* (Yale University Press, 1983).

Bowie, Andrew, "Friedrich Wilhelm Joseph von Schelling", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2016 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = <<https://plato.stanford.edu/archives/fall2016/entries/schelling/>>.

متن آلمانی نیز رجوع کند. این دوزبانه بودن باعث شده که مترجمان بتوانند از آوردن بیش از اندازه‌ی معادل‌های آلمانی در متن ترجمه‌ی فارسی اجتناب کنند، و همین عاملی شده است برای امکان‌پذیر شدن خوانش بی‌مانع و رادع متن.

ملاحظات محتوایی

نخستین نکته‌ی مثبت ترجمه‌ی فارسی کتاب پژوهش‌های فلسفی در باب ذات آزادی انسان، تعهد مترجمان نسبت نگارش مقدمه‌ای بر ترجمه است. این مقدمه علاوه بر ارائه‌ی شرحی از زندگی و آثار شلینگ و بیان نسبت فکری او با فیلسوفان بزرگ دیگری چون اسپینوزا، کانت، فیشته و هگل، شرحی نیز راجع به محتوای کتاب در بردارد.

دومین نکته‌ی مثبت ترجمه‌ی فارسی، که باید الگویی برای همه مترجمان باشد، رجوع مستقیم مترجمان به متن اصلی کتاب (در این مورد، آلمانی) است. لزوم رجوع مستقیم به زبان اصلی فیلسوفان روزبه‌روز بیش‌تر به چشم می‌آید. به‌علاوه، مترجمان کاری نسخه‌شناسانه نیز در مقیاسی کوچک انجام داده‌اند، به این معنا که نسخه‌ها و چاپ‌های گوناگون رساله‌ی پژوهش‌های فلسفی در باب ذات آزادی انسان را یافته و از همه‌ی آن‌ها در ترجمه‌ی خویش بهره برده‌اند. گذشته از این، به دو ترجمه‌ی انگلیسی و یک ترجمه‌ی فارسی نیز رجوع کرده و در گشودن رموز و ابهام‌های متن اصلی از آن‌ها نیز بهره گرفته‌اند.

سومین نکته‌ی مثبت ترجمه‌ی فارسی این است که مترجمان به شرح‌هایی راجع به این کتاب نیز رجوع کرده‌اند و توانسته‌اند با استفاده از آن‌ها مرجع برخی از ارجاعات شلینگ به کتاب مقدس را بیابند و در فهرستی در انتهای کتاب بگنجانند. این خود موجب می‌شود که دشواری‌های متن دست‌کم تا حدی کاهش بیابد.

چهارمین نکته‌ی مثبت ترجمه‌ی فارسی، ضمیمه‌ای است که مترجمان به کتاب افزوده‌اند: «پاسخ به اعتراضات کارل آوگوست اشنمایر». حسن این ضمیمه، گذشته از نقش آن در معناگشایی متن، این است که به خواننده امکان می‌دهد با فهم معاصران شلینگ از رساله‌ی او آشنا شود و بدین ترتیب خود را هرچه بیش‌تر به محتوای کتاب نزدیک کند.

و اما پنجمین، و یکی از مهم‌ترین محاسن ترجمه‌ی فارسی، گزینش معادل‌های فارسی است. اگرچه می‌توان در خصوص برخی از معادل‌هایی که مترجمان در ازای اصطلاحات آلمانی برگزیده‌اند چون و چرا کرد، اما نگارنده بر آن است که کمابیش همه‌ی معادل‌گذاری‌ها از روی آگاهی و وسواس صورت گرفته و از گزینش‌های شاذ و نابه‌روال پرهیز شده است.

با وجود این، ترجمه‌ی فارسی پژوهش‌های فلسفی در باب ذات آزادی انسان خالی از نقص نیست. با وجود این‌که مترجمان تلاش قابل‌تحسینی به خرج داده‌اند تا خواننده را با چهارچوب فکری شلینگ به‌طور کلی و اندیشه‌هایی که او در این کتاب به‌طور خاص مطرح کرده است آشنا کنند، اما به نظر می‌رسد که دشواری مضامین مطرح در کتاب، پژوهش عمیق‌تری را اقتضا می‌کند و نیازمند نگارش مقدمه‌ای مبسوط‌تر و همه‌جانبه‌تر است، زیرا مقدمه‌ی فعلی مترجمان فارسی نمی‌تواند به خواننده کمک زیادی بکند، اگرچه به هیچ وجه خالی از فایده نیست.

نکته‌ی دیگری که با نکته‌ی فوق مربوط است، ولی شاید نتوان تقصیر آن را بر دوش مترجمان گذاشت، ترجمه‌ی بسیار تحت‌اللفظی است. البته نگارنده واقف است که هرگونه تلاش برای بسط دادن و شکستن جملات اصلی نویسنده به جهت روشن‌تر ساختن جملات، ممکن است موجب تحریف مراد و مقصود نویسنده شود، و از این رو مترجمان تصمیم درستی گرفته‌اند. با وجود این، انتظار می‌رود که مترجمانی دیگر با ابتدا و اتکا به ترجمه‌ی فعلی و انجام دادن پژوهش‌هایی تکمیلی، ترجمه‌ای به دست دهند خواناتر و مفهوم‌تر، زیرا ترجمه‌ی فعلی اگرچه بسیار دقیق است، ولی خواندن و درک آن به واسطه‌ی تحت‌اللفظی بودن ترجمه بسیار دشوار است.

به نظر نگارنده، ترجمه‌ی فارسی این کتاب با توجه به همه‌ی وجوه شکلی و محتوایی‌اش، اثری استاندارد و مطلوب است و می‌تواند، به‌عنوان نخستین کتابی که از شلینگ ترجمه شده است، آغازی باشد بر پژوهش بیش‌تر در زبان فارسی راجع به این فیلسوف مغفول‌مانده‌ی ایدئالیسم آلمانی.

منابع

شلینگ، فریدریش ویلهلم یوزف، *پژوهش‌های فلسفی در باب ذات آزادی انسان*، ترجمه‌ی مجتبی درایتی و ابوالحسن ارجمند تاج‌الدینی (تهران: شب‌خیز، ۱۳۹۷).

Andrew Bowie, *Schelling and Modern European Philosophy: An Introduction* (London: Routledge, 1993).

Alan White, *Schelling: An Introduction to the System of Freedom* (Yale University Press, 1983).

Bowie, Andrew, "Friedrich Wilhelm Joseph von Schelling", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2016 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = <https://plato.stanford.edu/archives/fall2016/entries/schelling/>.

Friedrich Wilhelm Joseph Schelling, *Sämmtliche Werke*, herausgegeben von Karl Friedrich August von Schelling, I Abtheilung vols 1–10, II Abtheilung vols 1–4, (Stuttgart: Cotta, 1856-61), II,3,161.